

Winter 2027, Volume 15, Issue 4

Comparison of the Effectiveness of “Adlerian–Dreikurs Parenting Approach Training” and “Acceptance and Commitment-Based Parenting Training” on Mothers’ Perceptions of Early Childhood Behavior and Social Development in Children Under 6 Years of Age

Somayeh Razaghi¹, Qamar Kiani^{2*}, Afsaneh Sobhi³

1. PhD Student, Department of Psychology, Za.c., Islamic Azad University, Zanjan, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Psychology, Za.c., Islamic Azad University, Zanjan, Iran.

3. Assistant Professor, Department of Psychology, Za.c., Islamic Azad University, Zanjan, Iran.

Corresponding author: Qamar Kiani, Assistant Professor, Department of Psychology, Za.c., Islamic Azad University, Zanjan, Iran.

Email: qa.kiani@iaau.ac.ir

Received: 2025/06/01

Accepted: 2026/08/02

Abstract

Introduction: Temperament, as one of the fundamental individual characteristics in the early years of life, plays an important role in shaping children’s patterns of social interaction and level of social development. The aim of the present study was to compare the effectiveness of the “Adler-Dreikurs Parenting Approach Training” and “Acceptance and Commitment-Based Parenting Training” on early childhood behavior and social development in children under 6 years of age.

Methods: The present study was a quasi-experimental study with a pretest–posttest–follow-up design and a control group. The statistical population included all mothers of children under 6 years of age who attended comprehensive health centers in Zanjan, Iran, for monthly check-ups in 2025. From this population, 60 mothers were purposively selected based on the cut-off scores of the research instruments and were then randomly assigned, using simple randomization by lottery, to three groups of 20 participants each. The research instruments included a demographic questionnaire, “Early Childhood Behavior Questionnaire–Short Form”, and “Vineland Social Maturity Scale”. The content validity of the instruments was evaluated qualitatively, and their reliability was assessed using internal consistency through Cronbach’s alpha coefficient. After the implementation of 8 sessions of the “Adler-Dreikurs Parenting Approach Training” and 9 sessions of “Acceptance and Commitment-Based Parenting Training” for the intervention groups, the data were collected. Data were analyzed using SPSS. 27.

Results: The results of the Bonferroni post hoc test indicated that the mean scores of early childhood behavior and social development were significantly higher in the “Adler-Dreikurs Parenting Approach Training” group than in both the “Acceptance and Commitment-Based Parenting Training” group and the control group ($P = 0.001$). However, no significant difference was observed between the “Acceptance and Commitment-Based Parenting Training” group and the control group ($P=1.000$).

Conclusion: The implementation of the “Adler-Dreikurs Parenting Approach Training” can lead to improved parenting practices and enhanced quality of parent–child interactions. Therefore, incorporating this approach into parent education programs may serve as an effective strategy for reducing children’s behavioral problems and promoting family functioning.

Keywords: Temperament. Social Development. Childhood Behavior. Adler-Dreikurs Parenting Approach Training. Acceptance and Commitment-Based Parenting Training.

مقایسه اثربخشی "آموزش رویکرد فرزندپروری آدلری-درایکورس" و "آموزش فرزندپروری مبتنی بر پذیرش و تعهد" بر رفتار اوایل کودکی و رشد اجتماعی کودکان زیر ۶ سال

سمیه رزاقی^۱، قمر کیانی^{۲*}، افسانه صبحی^۳

۱- دانشجوی دکتری، گروه روانشناسی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی زنجان، ایران.

۲- استادیار، گروه روانشناسی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی زنجان، ایران.

۳- استادیار، گروه روانشناسی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی زنجان، ایران.

نویسنده مسئول: قمر کیانی، استادیار، گروه روانشناسی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی زنجان، ایران.
ایمیل: qa.kiani@iau.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۵/۱۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۳/۱۱

چکیده

مقدمه: خلق و خو به عنوان یکی از ویژگی‌های بنیادین فردی در سال‌های آغازین زندگی، نقش مهمی در شکل‌گیری الگوهای تعامل اجتماعی و سطح رشد اجتماعی کودکان ایفا می‌کند. هدف از مطالعه حاضر مقایسه اثربخشی "آموزش رویکرد فرزندپروری آدلری-درایکورس" و "آموزش فرزندپروری مبتنی بر پذیرش و تعهد" بر رفتار اوایل کودکی و رشد اجتماعی کودکان زیر ۶ سال می‌باشد.

روش کار: روش مطالعه حاضر از نوع نیمه تجربی با طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون-پیگیری با گروه کنترل می‌باشد. جامعه آماری شامل تمام مادران دارای کودک زیر ۶ سال مراجعه کننده جهت کنترل‌های ماهانه به مراکز جامع سلامت شهر زنجان در سال ۱۴۰۴ بود. از میان آن‌ها تعداد ۶۰ تن از مادران براساس خط برش ابزارهای پژوهش و به صورت هدفمند انتخاب و به ۳ گروه (۲۰ تن در هر گروه) به روش تصادفی ساده از نوع قرعه کشی تقسیم شدند. ابزار پژوهش شامل پرسشنامه جمعیت شناختی، "پرسشنامه-فرم کوتاه رفتار اوایل کودکی" (Early Childhood Behavior Questionnaire-Short Form) و "مقیاس رشد اجتماعی واینلند" (Vineland Social Maturity Scale) بود. روایی محتوای ابزارها به روش کیفی و پایایی به روش همسانی درونی با محاسبه ضریب آلفا کرونباخ اندازه گیری شد. پس از اجرای ۸ جلسه "آموزش رویکرد فرزندپروری آدلری-درایکورس" و ۹ جلسه "آموزش فرزندپروری مبتنی بر پذیرش و تعهد" برای گروه‌های مداخله، داده‌ها جمع‌آوری شد. داده‌ها در نرم افزار اس پی اس نسخه ۲۷ تحلیل شد.

یافته‌ها: نتایج آزمون تعقیبی بنفرونی حاکی از آن است که میانگین نمره متغیرهای رفتار اوایل کودکی و رشد اجتماعی در گروه "آموزش رویکرد فرزندپروری آدلری-درایکورس" به‌طور معناداری بالاتر از گروه "آموزش فرزندپروری مبتنی بر پذیرش و تعهد" و کنترل بود ($P=0/001$)، در حالی که بین گروه "آموزش فرزندپروری مبتنی بر پذیرش و تعهد" و گروه کنترل تفاوت معناداری مشاهده نشد ($P=1/000$).

نتیجه‌گیری: اجرای "آموزش رویکرد فرزندپروری آدلری-درایکورس" می‌تواند به بهبود شیوه‌های فرزندپروری و ارتقای کیفیت تعاملات والد-کودک منجر شود. بنابراین، به‌کارگیری این رویکرد در برنامه‌های آموزشی والدین می‌تواند به عنوان راهبردی مؤثر در کاهش مشکلات رفتاری کودکان و ارتقای کارکرد خانواده مورد استفاده قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: خلق و خو، رشد اجتماعی، رفتار کودکی، آموزش رویکرد فرزندپروری آدلری-درایکورس، آموزش فرزندپروری مبتنی بر پذیرش و تعهد.

مقدمه

رشد اجتماعی (social development) یکی از ابعاد اساسی تحول کودک است که به فرایند یادگیری، درونی‌سازی و به‌کارگیری مهارت‌ها، نگرش‌ها، ارزش‌ها و رفتارهایی اشاره دارد که فرد را برای تعامل مؤثر و سازگارانه با دیگران و ایفای نقش در محیط اجتماعی آماده می‌کند. این نوع رشد از نخستین سال‌های زندگی آغاز می‌شود و در دوره کودکی اولیه، به‌ویژه زیر شش سال، سرعت و اهمیت بیشتری می‌یابد؛ زیرا کودک در این دوره به‌تدریج از یک موجود وابسته به مراقبان اولیه، به فردی دارای توانایی برقراری ارتباط، همکاری، همدلی، پیروی از قواعد و درک انتظارات اجتماعی تبدیل می‌شود (۱). رشد اجتماعی دربرگیرنده مؤلفه‌هایی همچون تعامل با همسالان، مهارت‌های ارتباطی، خودتنظیمی اجتماعی، رعایت نوبت، توانایی مشارکت در فعالیت‌های گروهی و درک احساسات و نیازهای دیگران است (۲). کیفیت رشد اجتماعی کودک می‌تواند بر سازگاری او در محیط خانواده، مهدکودک و بعدها مدرسه اثر بگذارد. کودکی که از رشد اجتماعی مطلوبی برخوردار است، معمولاً روابط مثبت‌تری با همسالان و بزرگسالان برقرار می‌کند، در موقعیت‌های تعارض آمیز عملکرد مناسب‌تری دارد و در انطباق با محیط‌های جدید موفق‌تر است. در مقابل، ضعف در رشد اجتماعی می‌تواند زمینه‌ساز انزوا، پرخاشگری، نافرمانی، اضطراب اجتماعی و مشکلات سازگاری در سال‌های بعدی شود (۳).

اهمیت رشد اجتماعی در سال‌های آغازین زندگی از آن جهت است که بسیاری از الگوهای اساسی تعامل، تنظیم هیجان، پیروی از هنجارها و درک روابط انسانی در همین دوره پایه‌گذاری می‌شود (۴). دوران زیر ۶ سال، مرحله‌ای حساس در شکل‌گیری مهارت‌های اجتماعی است؛ زیرا در این سال‌ها مغز کودک از انعطاف‌پذیری بالایی برخوردار بوده و تجربه‌های محیطی، خانوادگی و تربیتی می‌توانند نقش تعیین‌کننده‌ای در جهت‌دهی به رفتارهای اجتماعی او ایفا کنند (۵). رشد اجتماعی کودک تحت تأثیر مجموعه‌ای از عوامل درون‌فردی و برون‌فردی قرار دارد. از جمله عوامل درون‌فردی می‌توان به ویژگی‌های زیستی، خلق‌وخو، سطح رشد شناختی، توانایی زبانی و ظرفیت خودتنظیمی اشاره کرد. همچنین عوامل برون‌فردی مانند سبک فرزندپروری، کیفیت دلبستگی، روابط والد-کودک، وضعیت اقتصادی-اجتماعی خانواده، جو هیجانی خانه، فرصت‌های تعامل با همسالان و محیط‌های آموزشی اولیه، در این فرایند اثرگذار هستند (۶، ۷). در میان این عوامل، خانواده

و به‌ویژه شیوه تعامل والدین با کودک از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا والدین نخستین و مؤثرترین عامل اجتماعی‌سازی کودک محسوب می‌شوند. نوع پاسخ‌دهی والدین به نیازها، هیجان‌ها و رفتارهای کودک می‌تواند به تقویت یا تضعیف مهارت‌های اجتماعی او منجر شود (۸). رفتار اوایل کودکی (early childhood behavior) یا خلق‌وخو (temperament) یکی دیگر از سازه‌های مهم در روانشناسی رشد است که به تفاوت‌های فردی نسبتاً پایدار در واکنش‌پذیری هیجانی، سطح فعالیت، توجه، سازگاری‌پذیری و شیوه پاسخ‌دهی کودک به محرک‌های محیطی اشاره دارد (۹). خلق‌وخو معمولاً دارای بنیان زیستی دانسته می‌شود و از ماه‌های نخست زندگی قابل مشاهده است (۱۰). نحوه بروز و پیامدهای آن در تعامل با محیط، به‌ویژه شیوه‌های تربیتی والدین، شکل می‌گیرد (۱۱). برخی کودکان از خلق‌وخوی آسان‌تری برخوردارند و سریع‌تر با تغییرات سازگار می‌شوند، در حالی که برخی دیگر حساس‌تر، کم‌تحمل‌تر یا کندتر در سازگاری هستند. اهمیت خلق‌وخو از آن جهت است که این ویژگی می‌تواند کیفیت تعامل کودک با والدین، مربیان و همسالان را تحت تأثیر قرار دهد و بر مسیر رشد هیجانی، اجتماعی و رفتاری او اثر بگذارد. برای مثال، کودکی با واکنش‌پذیری هیجانی بالا ممکن است در موقعیت‌های اجتماعی زودتر برانگیخته شود یا در برابر ناکامی، رفتارهای ناسازگارانه‌تری نشان دهد. با این حال، خلق‌وخو یک عامل تعیین‌کننده مطلق نیست و در چارچوب تعامل با محیط معنا پیدا می‌کند. در واقع، اگر والدین بتوانند ویژگی‌های خلقی کودک را بشناسند و پاسخ‌های متناسب، پذیرنده و هدایتگر ارائه دهند، زمینه برای انطباق بهتر کودک و رشد اجتماعی مطلوب‌تر فراهم می‌شود (۱۳).

در میان رویکردهای فرزندپروری، «رویکرد فرزندپروری آدلری-درایکورس» (Adler-Dreikurs Parenting Approach) یکی از دیدگاه‌های مهم و اثرگذار در تربیت کودک به شمار می‌رود. این رویکرد بر مفاهیمی همچون احساس تعلق، اهمیت اجتماعی، احترام متقابل، تشویق، مسئولیت‌پذیری و انضباط منطقی تأکید دارد. از منظر «رویکرد فرزندپروری آدلری-درایکورس»، کودک موجودی هدفمند و اجتماعی است که رفتارهای او در بستر تلاش برای تعلق یافتن، معناجویی و کسب جایگاه در خانواده و اجتماع قابل درک می‌شود. در این چارچوب، رفتارهای نامطلوب کودک نه صرفاً به‌عنوان نافرمانی، بلکه به‌عنوان تلاش ناکارآمد برای دستیابی به توجه، قدرت، انتقام یا نمایش ناتوانی تفسیر

زاده و همکاران (۱۹) در نتایج مطالعه خود نشان دادند که آموزش این روش به والدین می‌تواند با افزایش آگاهی آن‌ها نسبت به نیازها، ویژگی‌های فردی و سبک‌های هیجانی کودک، به بهبود کیفیت رابطه والد-کودک و تقویت تعاملات مثبت، همدلانه و حمایت‌گرانه در محیط خانواده منجر شود. همچنین، متقی (۲۰) ندر مطالعه خود نشان داده که به‌کارگیری این اصول در شیوه‌های فرزندپروری می‌تواند از طریق ارتقای مهارت‌های تنظیم هیجان، مدیریت رفتار و استفاده از راهبردهای انضباطی سازنده، به کاهش بروز رفتارهای ناسازگارانه در کودکان کمک کند. در خصوص «درمان پذیرش و تعهد»، در حوزه والدگری امانی و همکاران (۲۱) در مطالعه خود نشان دادند که این رویکرد با ارتقای آگاهی هیجانی و افزایش پاسخ‌دهی حساس و مناسب والدین، می‌تواند به بهبود کیفیت روابط والد-فرزند و تقویت تعاملات مثبت خانوادگی منجر شود. همچنین، خلقی و همکاران (۲۲) در نتایج مطالعه خود نشان دادند که استفاده از این روش با کاهش مشکلات رفتاری و هیجانی کودکان و بهبود توانایی تنظیم هیجان در آن‌ها همراه است. یافته پژوهش منصوری و همکاران (۲۳) نیز نشان داد که این رویکرد با تقویت مهارت‌های اجتماعی و ارتقای سازگاری بین‌فردی، به کودکان کمک می‌کند تا در تعامل با همسالان و بزرگسالان روابط مؤثرتر و سازنده‌تری برقرار کنند.

رشد اجتماعی نه‌تنها یک پیامد تحولی، بلکه بنیانی مهم برای سلامت روان، موفقیت تحصیلی و کارکرد بین‌فردی آینده کودک به شمار می‌آید. بنابراین، هرگونه مداخله آموزشی که بتواند شیوه‌های فرزندپروری را اصلاح و ارتقا دهد، احتمالاً بر رشد اجتماعی کودکان نیز تأثیر معناداری خواهد داشت. به همین دلیل، بررسی خلق‌وخو در کنار متغیرهای تربیتی، برای درک بهتر تفاوت‌های فردی کودکان و طراحی مداخلات مؤثر در حوزه فرزندپروری ضروری است. از آنجا که «آموزش رویکرد فرزندپروری آدلری-درایکورس» بر تعامل اجتماعی، مسئولیت‌پذیری و عضویت مؤثر در خانواده تأکید دارد، انتظار می‌رود در ارتقای رشد اجتماعی کودکان و حتی تعدیل برخی جلوه‌های رفتاری مرتبط با خلق‌وخو نیز مؤثر باشد. «آموزش فرزندپروری مبتنی بر پذیرش و تعهد» نیز به‌عنوان یک الگوی مداخله‌ای مؤثر برای خانواده‌های دارای کودکان خردسال، ظرفیت بالایی برای پژوهش و کاربرد دارد. با وجود پژوهش‌های موجود، بخش قابل توجهی از مطالعات موجود یا بر یک رویکرد به‌صورت مجزا تمرکز کرده‌اند یا پیامدهای کلی رفتاری

می‌شوند (۱۳). «رویکرد فرزندپروری آدلری-درایکورس» به والدین کمک می‌کند تا به‌جای تنبیه، سرزنش و کنترل سخت‌گیرانه، از راهبردهایی مانند تشویق، پیامد منطقی، گفت‌وگوی محترمانه، مشارکت دادن کودک در حل مسئله و تقویت حس کفایت استفاده کنند. چنین رویکردی می‌تواند روابط والد-کودک را بهبود بخشد و زمینه‌ساز پرورش مهارت‌های اجتماعی، خودکنترلی و احساس ارزشمندی در کودک شود (۱۴).

«آموزش فرزندپروری مبتنی بر پذیرش و تعهد» “Acceptance and Commitment-Based Parenting Training” یکی از رویکردهای نوین و مبتنی بر موج سوم درمان‌های شناختی-رفتاری است که اصول خود را از «درمان پذیرش و تعهد» اخذ کرده و در سال‌های اخیر در حوزه والدگری مورد توجه قرار گرفته است (۱۵، ۱۶). این رویکرد بر افزایش انعطاف‌پذیری روانشناختی والدین تأکید دارد؛ به این معنا که والدین بیاموزند هیجان‌ها، افکار و تجربه‌های درونی دشوار مرتبط با فرزندپروری را بدون اجتناب افراطی بپذیرند و در عین حال بر اساس ارزش‌های تربیتی خود عمل کنند. در «فرزندپروری مبتنی بر پذیرش و تعهد»، والدین تشویق می‌شوند که به‌جای واکنش‌های تکانشی، قضاوت‌گرانه یا کنترل‌محور، با ذهن آگاهی، پذیرش، گسلش شناختی، حضور در لحظه و تعهد به رفتارهای ارزش‌مدار با کودک تعامل کنند. این امر می‌تواند به کاهش تعارض، افزایش حساسیت والدینی، بهبود تنظیم هیجان والد و در نهایت ارتقای کیفیت رابطه والد-کودک منجر شود (۱۷). هنگامی که والدین بتوانند با دشواری‌های رفتاری و هیجانی کودک به‌صورت منعطف و پذیرنده مواجه شوند، احتمال دارد کودک نیز در فضایی ایمن‌تر، آرام‌تر و حمایت‌گرانه‌تر رشد کند. چنین فضایی می‌تواند بر ابعاد مختلف تحول کودک از جمله تنظیم هیجان، مهارت‌های اجتماعی و حتی نحوه بروز ویژگی‌های خلقی او اثرگذار باشد (۱۸).

مرور پیشینه پژوهشی نشان می‌دهد که سبک‌ها و آموزش‌های فرزندپروری نقش مهمی در شکل‌دهی به پیامدهای تحولی کودکان، از جمله رشد اجتماعی، سازگاری رفتاری، خودتنظیمی و مشکلات هیجانی ایفا می‌کنند. پژوهش‌های متعدد نشان داده‌اند که شیوه‌های فرزندپروری مبتنی بر حمایت، ثبات، پذیرش و تعامل مثبت با کودک، با سطوح بالاتر مهارت‌های اجتماعی، همدلی، همکاری و کاهش رفتارهای مسئله‌دار همراه هستند. در خصوص «آموزش رویکرد فرزندپروری آدلری-درایکورس»، حسینی

و هیجانی را بررسی کرده‌اند و کمتر به مقایسه مستقیم این ۲ رویکرد بر متغیرهای خاصی چون خلق‌وخو و رشد اجتماعی در کودکان زیر ۶ سال پرداخته‌اند. افزون بر این، در بستر فرهنگی ایران، همچنان نیاز به پژوهش‌های بیشتری وجود دارد که اثرات این آموزش‌ها را با توجه به ویژگی‌های خانواده‌های ایرانی، حساسیت‌های دوره کودکی اولیه و تفاوت‌های فردی کودکان بررسی کند. بنابراین، خلأ پژوهشی معناداری در زمینه مقایسه اثربخشی این ۲ الگوی فرزندپروری بر متغیرهای تحولی مهم در کودکان خردسال مشاهده می‌شود. بنابراین، هدف پژوهش حاضر مقایسه اثربخشی «آموزش رویکرد فرزندپروری آدلری-درایکورس» و «آموزش فرزندپروری مبتنی بر پذیرش و تعهد» بر رفتار اوایل کودکی و رشد اجتماعی کودکان زیر شش سال بود.

روش کار

روش مطالعه حاضر از نوع نیمه تجربی با طرح پیش آزمون- پس آزمون- پیگیری با گروه کنترل بود. جامعه آماری شامل تمام مادران دارای کودک زیر ۶ سال مراجعه کننده جهت کنترل‌های ماهانه به مراکز جامع سلامت شهر زنجان در سال ۱۴۰۴ بود که از میان آن‌ها ۶۰ تن به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. تعداد نمونه مورد نظر با استفاده و استناد به جدول Cohen، با توجه به تعداد گروه‌ها=۳، $\alpha=0/05$ ، توان آزمون $0/8$ و میزان اثر $0/4$ ، نیز معادل ۱۷ تن برای هر گروه بدست آمد و با در نظر گرفتن احتمال ریزش نمونه ۲۰ تن برای هر گروه در نظر گرفته شد. پس از انتخاب به منظور تخصیص در گروه‌ها به صورت تصادفی ساده به روش قرعه کشی، در گروه‌های «آموزش و یککرد فرزندپروری آدلری-درایکورس» (۲۰ تن) و «آموزش فرزندپروری مبتنی بر پذیرش و تعهد» (۲۰ تن) و گروه کنترل (۲۰ تن) گمارش شدند. پس از انتخاب نمونه، به‌منظور همگن‌سازی گروه‌ها، مادران از نظر متغیرهای تأثیرگذار شامل سن مادر و کودک و سطح تحصیلات مادر همگن شدند.

معیارهای ورود به پژوهش شامل رضایت شرکت کننده برای ورود به پژوهش، سن کودک، نمره پایین‌تر از خط برش «پرسشنامه- فرم کوتاه رفتار اوایل کودکی» نمره پایین‌تر از ۱۰۸ از نمره کل ۲۵۲ و «مقیاس رشد اجتماعی واینلند»، نمره پایین‌تر از ۲۰ از نمره کل ۶۱ عدم وجود معلولیت‌ها و بیماری‌های جسمانی مزمن و بیماری‌های روانپزشکی در کودک و مادر بود. معیارهای خروج از پژوهش شامل غیبت بیش از ۲ جلسه و دریافت روان‌درمانی و یا آموزش‌های

مشابه با این ۲ رویکرد، مصرف دارو در طول سال گذشته برای اختلال‌های روانپزشکی یا بیماری‌های مزمن بود. وجود بیماری مزمن جسمی یا اختلال روانشناختی جدی در مادر یا کودک، از طریق خودگزارشی مادران و بررسی اطلاعات ثبت‌شده در پرونده سلامت خانوار در مرکز جامع سلامت ارزیابی شد. بدین منظور، در زمان ورود به پژوهش، از مادران درباره سابقه ابتلا به بیماری‌های مزمن جسمی، مصرف داروی طولانی‌مدت، سابقه مراجعه به روانپزشک یا روانشناس، دریافت تشخیص روانپزشکی و مصرف داروهای روانپزشکی سؤال شد. همچنین در صورت وجود گزارش بیماری یا درمان فعال در پرونده سلامت، فرد واجد شرایط ورود به پژوهش در نظر گرفته نمی‌شد.

ابزارهای مطالعه حاضر شامل پرسشنامه جمعیت شناختی شامل سن کودک و مادر، تحصیلات مادر و وضعیت اجتماعی- اقتصادی بود.

«پرسشنامه- فرم کوتاه رفتار اوایل کودکی» (Early Childhood Behavior Questionnaire-Short Form) که توسط Putnam و همکاران (۲۴) در آمریکا در سال ۲۰۰۶ ساخته شده و شامل ۳۶ عبارت است که ۳ مولفه هیجان‌پذیری منفی (negative affectivity) ۱۲ عبارت شامل ۱ تا ۱۲؛ سرزندگی/برون‌گرایی (surgency/extraversion) ۱۲ عبارت شامل ۱۳ تا ۲۴؛ و کنترل تلاشگرانه (control) ۱۲ عبارت شامل ۲۵ تا ۳۶ را در یک طیف ۷ درجه‌ای لیکرت از هرگز=۱ تا همیشه=۷ مورد ارزیابی قرار می‌دهد. مولفه هیجان‌پذیری منفی به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شود. در این ابزار حداقل نمره ۳۶ و حداکثر ۲۵۲ است؛ نمره ۳۶ تا ۱۰۸ به معنای خلق‌وخوی مثبت، سرزندگی و کنترل تکانشگرانه پایین؛ نمره ۱۰۹ تا ۱۸۰ به معنای خلق‌وخوی مثبت، سرزندگی و کنترل تکانشگرانه متوسط و نمره ۱۸۱ تا ۲۵۲ به معنای خلق‌وخوی مثبت، سرزندگی و کنترل تکانشگرانه بالا است (۲۴).

در پژوهش Putnam و همکاران (۲۴) روایی سازه به روش تحلیل عاملی تأییدی «پرسشنامه- فرم کوتاه رفتار اوایل کودکی» روی ۱۰۴ تن از مادران کودکان نوپا در بازه سنی ۱/۵ تا ۳ سال آمریکایی بررسی و ساختار ۳ عاملی تأیید شد. پایایی به روش همسانی درونی و با محاسبه ضریب آلفا کرونباخ روی نمونه‌های فوق بررسی و نتایج در دامنه ای از ۰/۵۷ تا ۰/۹۰ گزارش شد. در پژوهش Sukigara و همکاران (۲۵) روایی سازه به روش تحلیل عاملی تأییدی «پرسشنامه رفتار اوایل کودکی - قرم کوتاه» روی ۳۱۸ تن از مادران دارای کودکان ۱۸ ماهه در ژاپن بررسی و ساختار

پسر نارساخوان و ۳۰ دانش آموز پسر عادی پایه چهارم و پنجم ابتدایی شهر سمنان بررسی و ساختار تک عاملی تأیید شد. ثبات به روش بازآزمون به فاصله زمانی ۱ تا ۹ روز برای ۱۲۳ تن از دانش آموزان شهر سمنان ۰/۹۲ گزارش شد. در پژوهش بلیاد و همکاران (۳۲) روایی سازه به روش تحلیل عاملی تأییدی «مقیاس رشد اجتماعی واینلند» روی ۱۲۰ کودکان ۵ تا ۷ سال شهر کرج بررسی و ساختار تک عاملی تأیید شد. پایایی به روش همسانی درونی با محاسبه ضریب آلفا کرونباخ روی نمونه های فوق بررسی و ۰/۶۸ گزارش شد.

در پژوهش حاضر روایی محتوا به روش کیفی «پرسشنامه رفتار اوایل کودکی - قرم کوتاه» و «مقیاس رشد اجتماعی واینلند» برای تمام عبارتها مورد تأیید ۶ تن از مدرسین هیأت علمی روانشناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان قرار گرفت. پایایی به روش همسانی درونی با محاسبه ضریب آلفا کرونباخ روی ۶۰ تن از مادران که در پژوهش حاضر شرکت داشتند، بررسی و برای «پرسشنامه رفتار اوایل کودکی - نسخه کوتاه» و «مقیاس رشد اجتماعی واینلند» به ترتیب ۰/۷۸ و ۰/۷۶ به دست آمد.

«آموزش رویکرد فرزندپروری آدلری-درایکورس» در ۸ جلسه ۹۰ دقیقه ای براساس بسته مداخله ای Dreikurs Ferguson & Shaked (۱۳) اجرا شد. در خارج از کشور این روش توسط Dreikurs Ferguson & Shaked (۱۳) استفاده و روایی آن مورد بررسی قرار گرفته است. در ایران این روش در پژوهش توسط حسینعلی زاده و همکاران (۱۹) در والدین استفاده و روایی آن مورد بررسی قرار گرفته است. قبل از اجرا، مضامین جلسات توسط ۶ تن از متخصصان روانشناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان مورد تأیید قرار گرفت که به شرح زیر می باشد.

خلاصه جلسات «آموزش رویکرد فرزندپروری آدلری-

درایکورس»

جلسه اول:

در جلسه نخست، ابتدا اهداف برنامه آموزشی برای مادران تبیین شد و تلاش گردید با ایجاد فضای صمیمانه، رابطه ای مبتنی بر اعتماد و همکاری شکل گیرد. سپس قوانین و چارچوب جلسات آموزشی توضیح داده شد. در ادامه، به معرفی رویکرد آدلر-درایکورس پرداخته شد و تفاوت میان شیوه های تربیتی سنتی و رویکردهای نوین فرزندپروری تشریح گردید. همچنین بر اهمیت آموزش والدین و نقش ارتباط مؤثر والد-کودک در کاهش مشکلات رفتاری کودکان تأکید شد.

۳ عاملی تأیید شد. پایایی به روش همسانی درونی و با محاسبه ضریب آلفا کرونباخ روی نمونه های فوق بررسی و در دامنه ای از ۰/۶۳ تا ۰/۸۹ گزارش شد.

در پژوهش نجارپوریان و همکاران (۲۶) روایی سازه به روش تحلیل عاملی تأییدی «پرسشنامه-فرم کوتاه رفتار اوایل کودکی» روی ۲۷۶ تن از مادران دارای کودکان نوپا در بازه سنی ۳ تا ۷ سال شهر بندرعباس بررسی و ساختار ۳ عاملی تأیید شد. پایایی به روش همسانی درونی و با محاسبه ضریب آلفا کرونباخ روی نمونه های فوق بررسی و در دامنه ای از ۰/۷۱ تا ۰/۷۹ گزارش شد. در پژوهش گل محمدیان و همکاران (۲۷) روایی سازه به روش تحلیل عاملی تأییدی «پرسشنامه-فرم کوتاه رفتار اوایل کودکی» روی ۲۴۶ تن از مادران کودکان نوپا در بازه سنی ۴ تا ۶ سال ایرانی بررسی و ساختار ۳ عاملی تأیید شد. پایایی به روش همسانی درونی و با محاسبه ضریب آلفا کرونباخ روی نمونه های فوق بررسی و در دامنه ای از ۰/۶۳ تا ۰/۹۵ گزارش شد.

«مقیاس رشد اجتماعی واینلند» (Vineland Social Maturity Scale) توسط Doll (۲۸) در آمریکا در سال ۱۹۳۵ ساخته شده و شامل ۱۱۷ عبارت و تک عاملی است که ۶۱ عبارت آن به گروه سنی زیر ۶ سال و ۵۶ عبارت به کودکان بالای ۶ سال تعلق می گیرد و پاسخدهی به صورت صفر و ۱ نمره گذاری می شود. اگر کودک زیر ۶ سال باشد حداقل نمره صفر و حداکثر نمره ۶۱ و اگر بالای ۶ سال هم باشد حداقل نمره صفر و حداکثر ۵۶ است؛ نمره صفر تا ۲۰ به معنای سطح پایین رشد اجتماعی، نمره ۲۱ تا ۴۰ به معنای سطح متوسط رشد اجتماعی و نمره ۴۱ تا ۶۱ به معنای سطح بالای رشد اجتماعی در کودکان است (۲۸).

در پژوهش Doll (۲۹) روایی سازه به روش تحلیل عاملی تأییدی «مقیاس رشد اجتماعی واینلند» روی ۶۲۰ کودک و بزرگسال ۱ تا ۳۰ سال آمریکایی بررسی و ساختار تک عاملی تأیید شد. ثبات به روش بازآزمون به فاصله زمانی ۱ تا ۹ روز روی نمونه های فوق بررسی و ۰/۹۲ گزارش شد. در پژوهش Roszkowski (۳۰) روایی سازه به روش روایی همگرایی «مقیاس رشد اجتماعی واینلند» با «مقیاس رفتار سازشی» (Adaptive Behavior Scale) روی ۹۸ تن از ساکنان یک مرکز دولتی نگهداری افراد دارای کم توانی ذهنی در آمریکا بررسی و ۰/۷۹ و پایایی به روش همسانی درونی با محاسبه ضریب آلفا کرونباخ روی نمونه های فوق بررسی و برابر با ۰/۷۰ گزارش شد.

در پژوهش صفایی (۳۱) روایی سازه به روش تحلیل عاملی تأییدی «مقیاس رشد اجتماعی واینلند» روی ۳۰ دانش آموز

جلسه دوم:

در این جلسه، سبک‌های مختلف فرزندپروری برای مادران تشریح شد و ویژگی‌های سبک مقتدرانه (دموکراتیک) و آزاد منشانه در مقایسه با سبک‌های سخت‌گیرانه و سهل‌گیرانه مورد بررسی قرار گرفت. همچنین پیامدها و نتایج هر یک از این شیوه‌های تربیتی بر رفتار و رشد کودکان بیان شد. در پایان، مزایا و کارکردهای مثبت سبک فرزندپروری مقتدرانه مورد تأکید قرار گرفت و مادران با اصول به‌کارگیری این سبک آشنا شدند.

جلسه سوم:

در جلسه سوم، به موضوع شناخت خلق‌وخوی کودکان و نقش عوامل وراثتی و محیطی در شکل‌گیری آن پرداخته شد. همچنین تفاوت‌های نقش‌های جنسیتی و نیازهای رشدی کودکان در مراحل مختلف رشد مورد بحث قرار گرفت. در ادامه، اهمیت جایگاه کودک در خانواده و تأثیر ترتیب تولد بر شکل‌گیری ویژگی‌های روانی و رفتاری فرزندان تبیین شد.

جلسه چهارم:

در این جلسه، علل و پیامدهای بدرفتاری کودکان مورد بررسی قرار گرفت و به نقش باورها و نگرش‌های والدین در شکل‌گیری این رفتارها اشاره شد. سپس مفهوم احساس تعلق و اهمیت آن در روابط خانوادگی برای مادران توضیح داده شد. همچنین ارتباط میان احساس تعلق کودک به خانواده و کاهش رفتارهای ناسازگار مورد بحث و تحلیل قرار گرفت.

جلسه پنجم:

در جلسه پنجم، مادران با اهداف نادرست رفتارهای کودکان و شیوه‌های اصلاح آن آشنا شدند. در ادامه، روش‌های انضباطی مناسب در قالب فعالیت‌های کارگاهی مورد بررسی قرار گرفت. همچنین مفهوم تنبیه و انواع شیوه‌های نادرست آن، از جمله تهدید کردن، تحقیر کردن، داد و فریاد زدن، کتک زدن و محروم کردن، مورد بحث قرار گرفت و پیامدهای منفی این روش‌ها برای والدین تبیین شد.

جلسه ششم:

در این جلسه، مفهوم دلگرمی و نقش آن در روابط والد-کودک مورد توجه قرار گرفت. به مادران آموزش داده شد که چگونه با استفاده از شیوه‌های دلگرم‌کننده، عزت‌نفس کودکان خود را تقویت کنند. همچنین تأثیر دلگرمی بر رفتار و انگیزش کودکان توضیح داده شد و به نقش خوددلگرمی والدین در بهبود رفتار و تعاملات خانوادگی اشاره گردید.

جلسه هفتم:

در جلسه هفتم، مهارت‌های ارتباطی مؤثر در تعامل با

فرزندان به مادران آموزش داده شد. در این راستا، تفاوت میان فضای تربیتی دموکراتیک و فضای استبدادی در خانواده مورد بررسی قرار گرفت. همچنین ۲ اصل اساسی در روابط دموکراتیک، یعنی برابری و احترام متقابل میان والدین و فرزندان، تشریح شد و اهمیت آن در بهبود روابط خانوادگی مورد تأکید قرار گرفت.

جلسه هشتم:

در جلسه پایانی، مروری کلی بر مطالب و مفاهیم مطرح‌شده در جلسات پیشین انجام شد و نکات اصلی برنامه آموزشی جمع‌بندی گردید. همچنین به پرسش‌ها و ابهامات احتمالی مادران پاسخ داده شد. در پایان جلسه، به‌منظور ارزیابی اثرات مداخله آموزشی، پس‌آزمون از مادران اجرا شد.

«آموزش رویکرد فرزندپروری مبتنی پذیرش و تعهد» در ۹ جلسه ۹۰ دقیقه‌ای براساس بسته مداخله ای Whittingham & Coyne (۳۴) اجرا شد. در خارج از کشور این روش توسط Whittingham & Coyne (۳۴) استفاده و روایی آن مورد بررسی قرار گرفته است. در ایران این روش در پژوهش توسط امانی و همکاران (۲۱) برای والدین استفاده و روایی آن مورد بررسی قرار گرفته است. قبل از اجرا، مضامین جلسات توسط ۶ تن از متخصصان روانشناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان مورد تأیید قرار گرفت که به شرح زیر می باشد.

خلاصه جلسات «آموزش فرزندپروری مبتنی بر پذیرش و تعهد»

جلسه اول:

در جلسه نخست، ابتدا رابطه درمانی با مادران برقرار شد و فضای صمیمانه‌ای برای مشارکت مادران ایجاد گردید. سپس توضیح مختصری درباره رویکرد فرزندپروری مبتنی بر پذیرش و تعهد و اهداف کلی برنامه ارائه شد. در ادامه، انواع الگوهای خانواده از جمله خانواده‌های احساسی، منطقی و خانواده عاشق معرفی و ویژگی‌های هر یک برای مادران تشریح شد.

جلسه دوم:

در این جلسه، با ترسیم جدولی مربوط به موقعیت‌های مختلف، به بررسی تولیدات ذهنی شامل افکار، احساسات، خاطرات، علائم بدنی و امیال پرداخته شد. مادران با نحوه شناسایی این تجربه‌های درونی در موقعیت‌های تعاملی با فرزند خود آشنا شدند. همچنین پس از مرور مطالب جلسه قبل، تکالیف جدیدی برای تمرین و کاربرد مفاهیم در زندگی روزمره ارائه گردید.

جلسه سوم:

در تعامل با کودکان توضیح داده شد و مادران با راهبردهای برقراری ارتباط مؤثر و قاطعانه آشنا شدند. در پایان، تکالیف جلسه قبل مرور و تکالیف جدیدی ارائه گردید.

جلسه نهم:

در جلسه پایانی، مروری جامع بر مفاهیم و مطالب ارائه شده در جلسات گذشته انجام شد و نکات کلیدی برنامه آموزشی جمع‌بندی گردید. همچنین فرصت لازم برای طرح پرسش‌ها و تبادل تجربه میان مادران فراهم شد. در پایان جلسه، به‌منظور ارزیابی اثربخشی مداخله، پس‌آزمون از مادران اجرا گردید.

برای جمع‌آوری داده‌ها، پس از انجام مکاتبات و هماهنگی‌های لازم با دانشگاه علوم پزشکی زنجان، معاونت تحقیقات، معاونت بهداشت استان، مرکز بهداشت شهرستان و در نهایت مرکز جامع سلامت شماره ۱۱ پونک، انجام شد. پس از حضور پژوهشگر اول مقاله حاضر، در مرکز به مدت ۱ هفته، از طریق ارسال پیامک به تمامی مادران کودکانی که اطلاعات آن‌ها در سامانه مرکز جامع سلامت ثبت شده بود، جهت شرکت در پژوهش و انجام مرحله پیش‌آزمون دعوت به عمل آمد. مداخلات آموزشی به‌صورت حضوری و در قالب جلسات گروهی در محل مرکز جامع سلامت شماره ۱۱ پونک شهر زنجان برگزار شد. هر یک از جلسات آموزشی در فضای مجزا و آرام مرکز، با رعایت محرمانگی و شرایط مناسب برای بحث گروهی اجرا گردید.

پس از مراجعه مادران داوطلب، توضیحات لازم در خصوص اهداف پژوهش ارائه شد و پس از اخذ رضایت آگاهانه، ابزارهای پژوهش در مرحله پیش‌آزمون اجرا گردید. سپس، از میان مادران، تعداد ۶۰ تن مادران کودکانی انتخاب شدند که در «پرسشنامه- فرم کوتاه رفتار اوایل کودکی» نمره پایین‌تر از ۱۰۸ از نمره کل ۲۵۲ و «مقیاس رشد اجتماعی واینلند»، نمره پایین‌تر از ۲۰ از نمره کل ۶۱، کسب کرده بودند و معیارهای ورود به پژوهش را دارا بودند، به‌صورت هدفمند انتخاب شدند. در ادامه، این افراد به‌صورت تصادفی در ۳ گروه شامل ۲ گروه مداخله و یک گروه کنترل (هر گروه ۲۰ تن) گمارده شدند.

پس از اجرای پیش‌آزمون، مادران گروه‌های مداخله تحت مداخلات آموزشی مربوطه قرار گرفتند، در حالی که گروه کنترل هیچ‌گونه مداخله‌ای دریافت نکرد. پس از پایان جلسات مداخله، از هر ۳ گروه پس‌آزمون به عمل آمد تا میزان اثربخشی مداخلات مورد بررسی قرار گیرد. سپس، به‌منظور سنجش تداوم اثر مداخلات، ۱ ماه پس از اجرای پس‌آزمون، مرحله پیگیری از هر ۳ گروه به عمل آمد.

در جلسه سوم، مفهوم انعطاف‌پذیری شناختی به مادران آموزش داده شد و از آن‌ها خواسته شد در موقعیت‌هایی که بین آن‌ها و کودکان رخ می‌دهد، از واکنش‌های فوری خودداری کنند و صرفاً رویدادها را مشاهده و ثبت نمایند. هدف از این تمرین، افزایش آگاهی از تجربه‌های درونی و کاهش واکنش‌های هیجانی بود. در ادامه، تکالیف جلسه قبل مرور و تکالیف جدیدی ارائه شد.

جلسه چهارم:

در این جلسه، مفهوم حریم روانشناختی و اهمیت مرزبندی مناسب میان والدین و کودکان مورد بحث قرار گرفت. همچنین به شیوه‌های کنترلی نامناسبی که برخی مادران در تعامل با فرزند خود به کار می‌برند، مانند داد زدن، تسلیم شدن یا منصرف شدن از پیگیری رفتار، اشاره شد و ناکارآمدی این روش‌ها مورد بررسی قرار گرفت. در پایان، تکالیف جلسه قبل مرور و تکالیف جدید ارائه شد.

جلسه پنجم:

در جلسه پنجم، الگوی پیش‌آیند، رفتار و پیامد در تحلیل رفتار کودکان توضیح داده شد و نقش زمینه‌های موقعیتی در شکل‌گیری رفتارها مورد بررسی قرار گرفت. برای درک بهتر این مفاهیم، مثال‌هایی از موقعیت‌های واقعی تعامل والد-کودک مطرح شد. همچنین پس از مرور تکالیف جلسه قبل، تکالیف جدیدی برای تمرین این مهارت‌ها ارائه گردید.

جلسه ششم:

در این جلسه، مفهوم همدلی با خود و اهمیت آن در فرزندپروری مورد توجه قرار گرفت. از مادران خواسته شد فهرستی از ارزش‌های شخصی خود و ارزش‌های مرتبط با فرزندپروری تهیه کنند تا آگاهی بیشتری نسبت به جهت‌گیری‌های ارزشی خود پیدا کنند. در ادامه، تکالیف جلسه قبل مرور شد و تکالیف جدیدی برای تمرین ارائه گردید.

جلسه هفتم:

در جلسه هفتم، مادران با نحوه تعیین اهداف کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت بر اساس ارزش‌های فردی و ارزش‌های مرتبط با فرزندپروری آشنا شدند. همچنین تأکید شد که رفتارهای والدینی باید در راستای ارزش‌های انتخاب‌شده هدایت شوند. در ادامه، تکالیف جلسه قبل مرور و تکالیف جدیدی برای اجرا در محیط خانواده ارائه شد.

جلسه هشتم:

در این جلسه، شیوه‌های مختلف ارتباطی والدین شامل سبک منفعلانه، پرخاشگرانه و مدبرانه (قاطعانه) مورد بررسی قرار گرفت. ویژگی‌ها و پیامدهای هر یک از این شیوه‌ها

آموزش‌ها توسط پژوهشگر اول مقاله حاضر و تحت نظارت مدرسین روانشناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان انجام شد. پیش از اجرای مداخله، محتوای جلسات توسط ۶ تن از متخصصان روانشناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان بررسی و تأیید گردید. همچنین برای حفظ یکنواختی اجرای جلسات، محتوای آموزشی بر اساس پروتکل تدوین شده و خلاصه جلسات از پیش تعیین شده ارائه شد. برای اطمینان از برداشت صحیح مادران از محتوای هر جلسه، در پایان هر جلسه بخشی به پرسش و پاسخ، مرور مفاهیم اصلی، ارائه مثال‌های کاربردی و جمع‌بندی مطالب اختصاص یافت. افزون بر این، از مادران خواسته شد تکالیف خانگی مرتبط با محتوای جلسه را در فاصله بین جلسات انجام دهند و در ابتدای جلسه بعد، تکالیف مرور و درباره میزان درک و کاربرد مفاهیم بحث شد. در صورت وجود ابهام یا برداشت نادرست، توضیحات تکمیلی و مثال‌های روشن‌تر ارائه گردید. به‌منظور جلوگیری از مواجهه و تبادل محتوای آموزشی میان گروه کنترل و گروه‌های مداخله، زمان برگزاری جلسات گروه‌های مداخله به‌صورت جداگانه برنامه‌ریزی شد و اعضای گروه کنترل در هیچ‌یک از جلسات آموزشی شرکت نکردند. همچنین از مادران خواسته شد تا پایان دوره پژوهش از انتقال محتوای جلسات به سایر مادران شرکت‌کننده خودداری کنند. افزون بر این، جلسات هر گروه به‌صورت جداگانه و در زمان‌های متفاوت برگزار شد و مادران هر گروه از ترکیب و محتوای آموزشی گروه‌های دیگر اطلاع نداشتند. گروه کنترل فقط ارزیابی‌های پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری را دریافت کرد و پس از پایان فرایند پژوهش، در صورت تمایل، امکان دریافت خلاصه محتوای آموزشی برای آن‌ها فراهم شد. لازم به ذکر است که به‌منظور رعایت ملاحظات اخلاقی، به تمامی مادران اطمینان داده شد که اطلاعات حاصل از پژوهش صرفاً در راستای اهداف علمی استفاده شده و محرمانه باقی خواهد ماند. همچنین، مادران در هر مرحله از پژوهش مجاز به انصراف از مطالعه بودند. به‌منظور رعایت ملاحظات اخلاقی، اعضای گروه کنترل در طول اجرای پژوهش و تا پایان مرحله پیگیری، هیچ‌گونه مداخله آموزشی دریافت نکردند تا از اثرگذاری بر نتایج پژوهش جلوگیری شود. بالین‌حال، پس از تکمیل همه مراحل گردآوری داده‌ها و مشخص شدن اثربخشی بیشتر «آموزش رویکرد فرزندپروری آدلری-درایکورس»، خلاصه محتوای آموزشی این مداخله در اختیار مادران گروه کنترل قرار گرفت.

در پژوهش حاضر جهت توصیف داده‌ها از میانگین

و انحراف معیار و تحلیل داده‌ها از روش‌های آماری «تحلیل واریانس با طرح اندازه‌گیری مکرر» (Analysis of variance with repeated measures design) و «آماره فیشر» (Fisher statistic) و برای آزمون پیش فرض‌های آزمون از «آزمون شاپیرو-ویلک» (Shapiro-Wilk test)، آزمون لوین (Levene's test) و «آزمون کرویت موخلی» (Mauchly's Test of Sphericity) و سطوح معناداری ۰/۰۵ و ۰/۰۱ استفاده شد. داده‌ها در نرم افزار اسپاس پی نسخه ۲۷ تحلیل شد.

یافته‌ها

در پژوهش حاضر در گروه کنترل، ۱ تن (۵ درصد) از کودکان در بازه سنی کمتر از ۱ سال، ۸ تن (۴۰ درصد) در بازه سنی ۱ تا ۳ سال و ۱۱ تن (۵۵ درصد) در بازه سنی ۳ تا ۶ سال قرار داشتند.

در گروه «آموزش فرزندپروری مبتنی بر پذیرش و تعهد»، ۱ تن (۵ درصد) کمتر از ۱ سال، ۷ تن (۳۵ درصد) ۱ تا ۳ سال و ۱۲ تن (۶۰ درصد) ۳ تا ۶ سال بودند.

همچنین در گروه «آموزش رویکرد فرزندپروری آدلری-درایکورس»، ۱ تن (۵ درصد) کمتر از ۱ سال، ۷ تن (۳۵ درصد) ۱ تا ۳ سال و ۱۲ تن (۶۰ درصد) در بازه سنی ۳ تا ۶ سال قرار داشتند.

در گروه کنترل، ۳ تن (۱۵ درصد) از مادران دارای تحصیلات زیر دیپلم، ۷ تن (۳۵ درصد) دیپلم، ۱ تن (۵ درصد) کاردانی، ۷ تن (۳۵ درصد) کارشناسی و ۲ تن (۱۰ درصد) دارای تحصیلات کارشناسی ارشد و بالاتر بودند.

در گروه «آموزش فرزندپروری مبتنی بر پذیرش و تعهد»، ۳ تن (۱۵ درصد) دارای تحصیلات زیر دیپلم، ۷ تن (۳۵ درصد) دیپلم، ۲ تن (۱۰ درصد) کاردانی، ۶ تن (۳۰ درصد) کارشناسی و ۲ تن (۱۰ درصد) دارای تحصیلات کارشناسی ارشد و بالاتر بودند.

در گروه «آموزش رویکرد فرزندپروری آدلری-درایکورس» نیز، ۳ تن (۱۵ درصد) زیر دیپلم، ۷ تن (۳۵ درصد) دیپلم، ۲ تن (۱۰ درصد) کاردانی، ۶ تن (۳۰ درصد) کارشناسی و ۲ تن (۱۰ درصد) کارشناسی ارشد و بالاتر بودند.

همچنین، توزیع سن مادران در ۳ گروه نشان داد که در گروه کنترل، ۴ تن (۲۰ درصد) کمتر از ۳۰ سال، ۱۰ تن (۵۰ درصد) بین ۳۰ تا ۴۰ سال و ۶ تن (۳۰ درصد) بالاتر از ۴۰ سال بودند. در گروه «آموزش فرزندپروری مبتنی بر پذیرش و تعهد»، ۵ تن (۲۵ درصد) کمتر از ۳۰ سال، ۹ تن (۴۵ درصد) بین ۳۰ تا ۴۰ سال و ۶ تن (۳۰ درصد) بالاتر از

(۱۵ درصد) دارای سطح درآمد بالا بودند. از نظر وضعیت اشتغال، در گروه کنترل، ۷ تن (۳۵ درصد) شاغل و ۱۳ تن (۶۵ درصد) غیرشاغل بودند. در گروه «آموزش فرزندپروری مبتنی بر پذیرش و تعهد»، ۷ تن (۳۵ درصد) شاغل و ۱۳ تن (۶۵ درصد) غیرشاغل بودند. در گروه «آموزش رویکرد فرزندپروری آدلری-درایکورس» نیز، ۸ تن (۴۰ درصد) شاغل و ۱۲ تن (۶۰ درصد) غیرشاغل بودند. جدول ۱ میانگین و انحراف معیار متغیرهای رفتار اوایل کودکی و رشد اجتماعی را در ۳ گروه کنترل، «آموزش فرزندپروری آدلری-درایکورس» و «آموزش فرزندپروری مبتنی بر پذیرش و تعهد» در مراحل پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری نشان می‌دهد.

۴۰ سال قرار داشتند. در گروه «آموزش رویکرد فرزندپروری آدلری-درایکورس» نیز، ۴ تن (۲۰ درصد) کمتر از ۳۰ سال، ۱۱ تن (۵۵ درصد) بین ۳۰ تا ۴۰ سال و ۵ تن (۲۵ درصد) بالاتر از ۴۰ سال بودند. همچنین، از نظر وضعیت اقتصادی-اجتماعی، در گروه کنترل، ۵ تن (۲۵ درصد) دارای سطح درآمد پایین، ۱۲ تن (۶۰ درصد) دارای سطح درآمد متوسط و ۳ تن (۱۵ درصد) دارای سطح درآمد بالا بودند. در گروه «آموزش فرزندپروری مبتنی بر پذیرش و تعهد»، ۴ تن (۲۰ درصد) در سطح درآمد پایین، ۱۳ تن (۶۵ درصد) در سطح درآمد متوسط و ۳ تن (۱۵ درصد) در سطح درآمد بالا قرار داشتند. در گروه «رویکرد فرزندپروری آدلری-درایکورس» نیز، ۵ تن (۲۵ درصد) دارای سطح درآمد پایین، ۱۲ تن (۶۰ درصد) دارای سطح درآمد متوسط و ۳ تن

جدول ۱: میانگین و انحراف معیار متغیرهای رفتار اوایل کودکی و رشد اجتماعی در گروه‌ها و زمان‌های مطالعه

متغیر	گروه	مرحله	میانگین	انحراف معیار
رفتار اوایل کودکی	کنترل	پیش آزمون	۴/۲۸	۰/۴۴
		پس آزمون	۴/۲۹	۰/۴۳
		پیگیری	۴/۳۰	۰/۴۳
	"آموزش رویکرد فرزندپروری آدلری-درایکورس"	پیش آزمون	۴/۴۰	۰/۵۶
		پس آزمون	۵/۴۶	۰/۴۳
		پیگیری	۵/۴۷	۰/۴۴
	"آموزش فرزندپروری مبتنی بر پذیرش و تعهد"	پیش آزمون	۴/۳۸	۰/۳۷
		پس آزمون	۴/۶۱	۰/۳۶
		پیگیری	۴/۶۰	۰/۳۸
رشد اجتماعی	کنترل	پیش آزمون	۴۳/۲۲	۸/۷
		پس آزمون	۴۳/۲۶	۷/۷
		پیگیری	۴۳/۲۳	۷/۹
	"آموزش رویکرد فرزندپروری آدلری-درایکورس"	پیش آزمون	۴۳/۸۷	۸/۷
		پس آزمون	۴۸/۳۵	۸/۶
		پیگیری	۴۸/۳۶	۸/۵
	"آموزش فرزندپروری مبتنی بر پذیرش و تعهد"	پیش آزمون	۴۴/۸۹	۱۱/۵
		پس آزمون	۴۵/۰۲	۱۲/۶
		پیگیری	۴۵/۰۰	۱۲/۴

رویکرد فرزندپروری آدلری-درایکورس» تا مرحله پیگیری تداوم داشته است. پیش از اجرای تحلیل واریانس با اندازه‌گیری مکرر، مفروضه‌های آماری مورد بررسی قرار گرفت. نتایج آزمون شاپیرو-ویلک نشان داد توزیع نمرات متغیرهای رفتار اوایل کودکی و رشد اجتماعی در مراحل پیش‌آزمون، پس‌آزمون

جدول ۱ نشان می‌دهد در هر ۲ متغیر رفتار اوایل کودکی و رشد اجتماعی، هر ۲ گروه مداخله در مراحل پس‌آزمون و پیگیری نسبت به پیش‌آزمون بهبود نشان دادند، در حالی که در گروه کنترل تغییرات چشمگیری مشاهده نشد. همچنین الگوی تغییرات نشان داد که بهبود در «آموزش فرزندپروری مبتنی بر پذیرش و تعهد» و گروه «آموزش

اجرای تحلیل واریانس با اندازه‌گیری مکرر فراهم بود. جدول ۲ نتایج تحلیل واریانس با اندازه‌گیری مکرر را برای بررسی اثرات زمان، گروه و تعامل زمان*گروه بر متغیرهای رفتار اوایل کودکی و رشد اجتماعی نشان می‌دهد. این نتایج برای تعیین معناداری تغییرات در طول زمان و مقایسه الگوی عملکرد ۳ گروه مورد مطالعه ارائه شده است.

و پیگیری در سه گروه پژوهش نرمال است ($P > 0.05$). همچنین آزمون کرویت موخلی نشان داد مفروضه کرویت برای برخی اثرات مربوط به متغیر رفتار اوایل کودکی برقرار نیست؛ از این‌رو، در این موارد از اصلاح «گرین‌هاوس-گایزر» (Greenhouse-Geisser) استفاده شد. برای متغیر رشد اجتماعی، مفروضه کرویت برقرار بود و تحلیل با درجات آزادی معمول گزارش شد. بر این اساس، شرایط لازم برای

جدول ۲: نتایج تحلیل واریانس با اندازه‌گیری مکرر در تبیین اثرات درون‌گروهی، بین‌گروهی و تعاملی برای متغیرهای رفتار اوایل کودکی و رشد اجتماعی

متغیر	منبع اثر	مجموع مجزورات	درجات آزادی	میانگین مجزورات	F	مقدار احتمال	مجزورات
زمان	درون‌گروهی	۷۲۳/۵۷	۱/۶۶	۴۳۵/۴۸	۳۴۳/۷۷	۰/۰۰۱	۰/۸۹۱
زمان * گروه ها	درون‌گروهی	۴۲۹/۳۶	۳/۶۰	۱۱۹/۰۰	۱۰۱/۹۹	۰/۰۰۱	۰/۸۲۹
گروه	بین‌گروهی	۱۰۸۶/۵۰	۲	۵۴۳/۲۵	۹/۳۰	۰/۰۰۱	۰/۳۰۱
زمان	درون‌گروهی	۵۳۳/۶۱	۲	۲۶۶/۸۰	۱۱۰/۹۰	۰/۰۰۱	۰/۷۲۵
زمان * گروه ها	درون‌گروهی	۲۹۷/۶۳	۴	۷۴/۴۰	۳۰/۹۲	۰/۰۰۱	۰/۵۹۶
گروه	بین‌گروهی	۷۰۱/۳۴	۲	۳۵۰/۶۷	۲۲/۲۲	۰/۰۰۱	۰/۵۱۴

گروه‌ها تفاوت معناداری وجود داشته است. با این حال، برای تعیین دقیق محل تفاوت‌ها و مشخص شدن اینکه کدام گروه‌ها در مراحل مختلف با یکدیگر تفاوت معنادار دارند، در ادامه از آزمون تعقیبی بنفرونی استفاده شد که نتایج آن در جدول ۳ گزارش شده است.

جدول ۲ نشان می‌دهد اثر زمان، اثر گروه و اثر تعاملی زمان*گروه برای متغیرهای رفتار اوایل کودکی و رشد اجتماعی معنادار بود ($P = 0.001$). این یافته‌ها بیانگر آن است که الگوی تغییرات متغیرهای مورد بررسی در طول زمان در گروه‌های مورد مطالعه یکسان نبوده و بین

جدول ۳: نتایج آزمون بنفرونی برای مقایسه‌های جفتی میانگین‌های اثر گروه و زمان برای متغیرهای رفتار اوایل کودکی و رشد اجتماعی

رفتار اوایل کودکی	تفاوت گروه ها			تفاوت زمان ها		
	تفاوت میانگین	مقدار احتمال		تفاوت میانگین	مقدار احتمال	
رفتار اوایل کودکی	"آموزش فرزندپروری مبتنی بر پذیرش و تعهد"	۱/۵۱	۰/۰۰۱	پس آزمون	-۱/۷۸	۰/۰۰۱
	"آموزش رویکرد فرزندپروری آدلری-درایکورس"	۱/۸۴	۰/۰۰۱	پیگیری	-۱/۳۹	۰/۰۰۱
	کنترل			پیگیری	-۰/۴۸۹	۱/۰۰۰
	"آموزش فرزندپروری مبتنی بر پذیرش و تعهد"	۰/۵۵۶	۱/۰۰۰	پیش آزمون		
	"آموزش رویکرد فرزندپروری آدلری-درایکورس"			پیش آزمون		
	کنترل			پس آزمون		
رشد اجتماعی	"آموزش فرزندپروری مبتنی بر پذیرش و تعهد"	۱/۴۶	۰/۰۰۱	پیش آزمون	-۱/۸۴	۰/۰۰۱
	"آموزش رویکرد فرزندپروری آدلری-درایکورس"	۱/۶۹	۰/۰۰۱	پیگیری	-۱/۵۱	۰/۰۰۱
	کنترل			پیگیری	-۰/۶۶۷	۱/۰۰۰
	"آموزش فرزندپروری مبتنی بر پذیرش و تعهد"	۰/۴۸۹	۱/۰۰۰	پیش آزمون		
	"آموزش رویکرد فرزندپروری آدلری-درایکورس"			پیش آزمون		
	کنترل			پس آزمون		

و پذیرش تجربه‌های درونی، به مادران کمک می‌کند تا به جای واکنش‌های هیجانی تکانشی یا تلاش‌های کنترلی ناکارآمد در مواجهه با رفتارهای چالش‌برانگیز کودک، با آگاهی کامل و حضور ذهن عمل کنند. وقتی مادران یاد می‌گیرند که افکار و احساسات تنش‌زای خود را بدون قضاوت مشاهده کنند، سطح برانگیختگی هیجانی آن‌ها کاهش یافته و فضای امن‌تری برای تنظیم هیجان کودک فراهم می‌شود. این فرآیند به‌ویژه در کودکان نوپا که به شدت تحت تأثیر ثبات هیجانی مراقب اصلی خود هستند، منجر به کاهش نمرات در مقیاس‌های خلق‌وخوی منفی و افزایش خودتنظیمی می‌گردد (۳۵). در واقع، "آموزش فرزندپروری مبتنی‌بر پذیرش و تعهد" با تغییر تمرکز والد از «تغییر رفتار مستقیم کودک» به «تغییر نحوه حضور و پاسخ‌دهی والد»، مکانیزم پایداری ایجاد می‌کند (۳۶) که حتی در کوتاه‌مدت نیز نتایج ملموس‌تری در رفتار کودکان نسبت به گروه کنترل از خود نشان می‌دهد.

در مقابل، در تبیین عدم تفاوت معنادار میان گروه کنترل و "آموزش رویکرد فرزندپروری آدلری-درایکورس" در حوزه رفتارهای اوایل کودکی می‌توان بیان کرد که تغییرات مورد انتظار در این رویکرد عمدتاً از طریق اصلاح تدریجی الگوهای ارتباطی و نگرش‌های والدین نسبت به فرزندپروری شکل می‌گیرد. در این رویکرد، تأکید اصلی بر ایجاد فضای گفت‌وگو و مشارکت در خانواده، افزایش احساس تعلق کودک، استفاده از تشویق به جای تنبیه و درک اهداف نادرست رفتار کودک است (۱۳). تحقق این اهداف معمولاً نیازمند زمان و تمرین مستمر در تعاملات روزمره خانواده است تا والدین بتوانند الگوهای تربیتی جدید را به‌طور پایدار در رفتار خود به کار گیرند. از این رو، ممکن است در بازه زمانی محدود اجرای مداخله، تغییرات رفتاری کودک هنوز به اندازه‌ای تثبیت نشده باشد که در تحلیل‌های آماری به تفاوت معنادار منجر شود. علاوه بر این، "آموزش رویکرد فرزندپروری آدلری-درایکورس" بر تغییر نگرش‌ها و شیوه‌های ارتباطی والدین تمرکز دارد که اثرات آن‌ها اغلب در بلندمدت و در جریان تعاملات مستمر خانوادگی آشکار می‌شود. در چنین شرایطی، امکان دارد تغییرات اولیه بیشتر در سطح نگرش و آگاهی والدین رخ دهد و هنوز به‌صورت تغییرات قابل مشاهده در رفتار کودک منعکس نشده باشد (۱۴). همچنین باید در نظر داشت که رفتارهای اوایل کودکی تحت تأثیر عوامل متعددی مانند ویژگی‌های خلق‌وخوی کودک، شرایط محیطی و سبک‌های تعاملی والدین قرار دارد و تغییر آن‌ها نیازمند زمان کافی برای تثبیت الگوهای

جدول ۳ نشان می‌دهد نتایج آزمون تعقیبی بنفرونی حاکی از آن است که میانگین نمره تغییرهای رفتار اوایل کودکی و رشد اجتماعی در گروه "آموزش رویکرد فرزندپروری آدلری-درایکورس" به‌طور معناداری بالاتر از هر ۲ گروه "آموزش فرزندپروری مبتنی‌بر پذیرش و تعهد" بود ($P=0/001$)، در حالی که بین گروه "آموزش فرزندپروری مبتنی‌بر پذیرش و تعهد" و گروه کنترل تفاوت معناداری مشاهده نشد ($P=1/000$). همچنین مقایسه مراحل زمانی نشان داد که از پیش‌آزمون به پس‌آزمون و پیگیری، بهبود معناداری در هر ۲ متغیر مشاهده شد و این روند در مرحله پیگیری نیز تداوم داشت.

بحث

هدف پژوهش حاضر مقایسه اثربخشی "آموزش رویکرد فرزندپروری آدلری-درایکورس" و "آموزش فرزندپروری مبتنی‌بر پذیرش و تعهد" بر رفتار اوایل کودکی و رشد اجتماعی کودکان زیر ۶ سال بود.

نتایج نشان داد که در زمینه رفتار اوایل کودکی، برنامه "آموزش فرزندپروری مبتنی‌بر پذیرش و تعهد" توانست نسبت به گروه کنترل بهبود بیشتری در رفتار کودکان ایجاد کند، اما تفاوت قابل توجهی بین این روش با "آموزش رویکرد فرزندپروری آدلری-درایکورس" مشاهده نشد. همچنین "آموزش رویکرد آدلری-درایکورس" نیز در مقایسه با گروه کنترل تفاوت چشمگیری نشان نداد. این نتایج با یافته حاصل از پژوهش‌های حسینی زاده و همکاران (۱۹) و متقی (۲۰) همسو بود. متقی (۲۰) در مطالعه خود نشان داد که آموزش اصول فرزندپروری می‌تواند از طریق ارتقای مهارت‌های تنظیم هیجان والدین و بهبود شیوه‌های مدیریت رفتار کودک، به کاهش رفتارهای ناسازگارانه در کودکان منجر شود. همچنین تأکید بر استفاده از راهبردهای انضباطی سازنده و تعاملات مثبت والد-کودک می‌تواند زمینه‌ساز بهبود رفتارهای رشدی و کاهش مشکلات رفتاری در دوره اوایل کودکی باشد. در بررسی پیشینه پژوهش، مطالعه‌ای که نتایج آن به‌طور مستقیم با یافته‌های حاضر ناهمسو باشد، یافت نشد.

در تبیین یافته‌های مربوط به اثربخشی "آموزش فرزندپروری مبتنی‌بر پذیرش و تعهد" در بهبود رفتارهای اوایل کودکی، می‌توان چنین استدلال کرد که این مداخله از طریق ارتقای انعطاف‌پذیری روانشناختی در والدین، به‌طور مستقیم بر کیفیت تعاملات والد-کودک تأثیر گذاشته است. هسته مرکزی این رویکرد، یعنی آموزش گسلش شناختی

جدید تربیتی است. بنابراین، عدم مشاهده تفاوت معنادار میان گروه کنترل و "آموزش رویکرد فرزندپروری آدلری-درایکورس" می‌تواند ناشی از ماهیت تدریجی این رویکرد و نیاز آن به دوره‌های مداخله طولانی‌تر برای بروز اثرات رفتاری قابل اندازه‌گیری در کودکان باشد (۱۳).

در مورد رشد اجتماعی، نتایج نشان داد که "آموزش رویکرد فرزندپروری آدلری-درایکورس" نسبت به هر ۲ گروه کنترل و "آموزش فرزندپروری مبتنی بر پذیرش و تعهد" تأثیر بیشتری در بهبود رشد اجتماعی کودکان داشته است؛ در حالی که بین گروه کنترل و گروه پذیرش و تعهد تفاوت قابل توجهی مشاهده نشد. این نتایج با نتایج حاصل از پژوهش‌های امانی و همکاران (۲۱)؛ خلقی و همکاران (۲۲) و منصوری و همکاران (۲۳) همسو بود. منصوری و همکاران (۲۳) نشان دادند که اجرای مداخلات مبتنی بر این رویکرد موجب تقویت مهارت‌های اجتماعی و بهبود سازگاری بین‌فردی کودکان شد. این همسویی نشان می‌دهد که ارتقای کیفیت تعاملات والد-کودک می‌تواند به تسهیل روابط مؤثرتر کودکان با همسالان و بزرگسالان و در نهایت بهبود شاخص‌های رشد اجتماعی منجر گردد. در بررسی پیشینه پژوهش، مطالعه‌ای که نتایج آن به‌طور مستقیم با یافته‌های حاضر ناهمسو باشد، یافت نشد.

در تبیین یافته‌های مربوط به اثربخشی "آموزش رویکرد فرزندپروری آدلری-درایکورس" نسبت به هر ۲ گروه کنترل و "آموزش فرزندپروری مبتنی بر پذیرش و تعهد" تعهد تأثیر بیشتری در بهبود رشد اجتماعی کودکان داشته است، می‌توان به ماهیت اجتماعی-رابطه‌ای "آموزش رویکرد فرزندپروری آدلری-درایکورس" اشاره کرد. این رویکرد به‌طور بنیادین بر مفهوم «احساس تعلق»، «علاقه اجتماعی» و جایگاه کودک در منظومه خانواده تأکید دارد و هدف آن پرورش مهارت‌های مشارکت، همکاری، مسئولیت‌پذیری و احترام متقابل در بستر روابط خانوادگی است (۱۳). از آنجا که رشد اجتماعی کودکان به‌طور مستقیم با کیفیت تعاملات بین‌فردی، تجربه تعلق و فرصت‌های مشارکت در تصمیم‌گیری مرتبط است، آموزش والدین در چارچوب اصول "آموزش رویکرد فرزندپروری آدلری-درایکورس" می‌تواند به شکل مستقیم‌تری بر شاخص‌های رشد اجتماعی اثر بگذارد. تأکید این رویکرد بر ایجاد فضای گفت‌وگو و مشارکت در خانواده، برابری روانشناختی والد و کودک، تشویق به جای تنبیه و درک اهداف نادرست رفتار، بستر مناسبی برای تمرین مهارت‌های اجتماعی در محیط خانه فراهم می‌کند؛ محیطی که نخستین و

مهم‌ترین عرصه جامعه‌پذیری کودک محسوب می‌شود (۱۴). بنابراین، طبیعی است که مداخله‌ای که به‌طور صریح بر تعاملات اجتماعی و ساختار روابط خانوادگی تمرکز دارد، اثر برجسته‌تری بر متغیر رشد اجتماعی نشان دهد.

در مقابل، عدم تفاوت معنادار میان گروه کنترل و "آموزش فرزندپروری مبتنی بر پذیرش و تعهد" در حوزه رشد اجتماعی را می‌توان با تمرکز درون‌فردی این رویکرد تبیین کرد. این برنامه بیش از آنکه مستقیماً مهارت‌های اجتماعی کودک یا ساختار تعاملات خانوادگی را هدف قرار دهد، بر افزایش انعطاف‌پذیری روانشناختی والد، پذیرش تجربه‌های درونی و همسوسازی رفتار والد با ارزش‌های شخصی تأکید دارد (۳۵). هرچند این تغییرات می‌تواند به‌صورت غیرمستقیم کیفیت رابطه والد-کودک را بهبود بخشد، اما ممکن است در بازه زمانی کوتاه مداخله، به تغییرات قابل سنجش در شاخص‌های رفتاری رشد اجتماعی کودک منجر نشوند. افزون بر این، رشد اجتماعی کودکان پدیده‌ای تدریجی و متأثر از فرصت‌های مکرر تعامل با همسالان و بزرگسالان است و ممکن است نیازمند مداخلاتی باشد که به‌طور مشخص مهارت‌های ارتباطی، مشارکت اجتماعی و مسئولیت‌پذیری را آموزش دهند؛ مؤلفه‌هایی که در "آموزش رویکرد فرزندپروری آدلری-درایکورس" به‌صورت مستقیم‌تر و ساختاریافته‌تر مورد توجه قرار می‌گیرند. (۱۳).

در مجموع، یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که اثربخشی "آموزش رویکرد فرزندپروری آدلری-درایکورس" تنها به دوره پس‌آزمون محدود نبوده و اثرات آن در مرحله پیگیری نیز حفظ شده است. این تداوم اثر را می‌توان با ماهیت نگرشی و فرایندی این رویکرد تبیین کرد؛ زیرا برخلاف مداخلاتی که صرفاً بر تغییر فوری رفتار تأکید دارند، "آموزش رویکرد فرزندپروری آدلری-درایکورس" طریق تغییر پایدار در باورها، نگرش‌ها و شیوه‌های ارتباطی والدین، الگوهای تربیتی جدیدی را در خانواده نهادینه می‌سازد. به بیان دیگر، مادران در جریان این آموزش، مهارت‌هایی مانند تشویق به جای تنبیه، درک اهداف نادرست رفتار، برقراری گفت‌وگوی مبتنی بر احترام متقابل و تقویت احساس تعلق کودک را فراگرفتند و در طول زمان فاصله‌ی میان پس‌آزمون و پیگیری، فرصت تمرین مستمر این مهارت‌ها را در تعاملات روزمره خانوادگی داشتند. این تمرین مداوم سبب شد آموخته‌های والدین به الگوهای پایدار رفتاری تبدیل شود و در نتیجه، اثرات مداخله نه‌تنها کاهش نیابد، بلکه در مرحله پیگیری نیز بر شاخص‌های رشد اجتماعی و رفتار اوایل کودکی پایدار بماند (۱۳). افزون بر این، از آن‌جا

بدین طریق ممکن است مادران در گزارش ویژگی‌های کودکان خود اغراق کرده باشند یا با کم و کاست گزارش کرده باشند. همچنین از دیگر محدودیت‌های پژوهش حاضر می‌توان به کوتاه بودن دوره پیگیری اشاره کرد.

سیاسگزاری

این مطالعه بخشی از نتایج رساله دکتری سیمیه رزاقی، رشته روانشناسی با راهنمایی خانم دکتر قمر کیانی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان است که با کد IR.IAU.Z.REC.1402.082 در سامانه ملی اخلاق در پژوهش‌های زیست پزشکی ثبت شده است. بدین وسیله از همه مادرانی که در این پژوهش شرکت کردند، همچنین از مسئولین دانشگاه آزاد اسلامی و مدیران مراکز بهداشت که با همکاری خود امکان این مطالعه را فراهم آوردند تشکر و قدردانی می‌شود.

تضاد منافع

نویسندگان مقاله حاضر هیچگونه تضاد منافی را گزارش نکردند.

References

1. Gray M. Social development: Synthesizing theory and practice. *Social Development*. 2023;46(1):3-13. <https://doi.org/10.3998/sdi.5293>
2. Heberle AE, Thomann CRB, Carter AS. Social and Emotional Development Theories. In: Benson JB, editor. *Encyclopedia of Infant and Early Childhood Development*. Second Edition). Oxford: Elsevier; 2020. p. 173-82. <https://www.sciencedirect.com/science/article/pii/B978012809324523633X> <https://doi.org/10.1016/B978-0-12-809324-5.23633-X>
3. Catalano RF, H JD, Koesterman R, Bailey JA, Oesterle S, Cambron C, Farrington DP. Applying the social development model in middle childhood to promote healthy development: effects from primary school through the 30s and across generations. *Journal of Developmental and Life-Course Criminology*. 2021;7(1):66-86. <https://pmc.ncbi.nlm.nih.gov/articles/PMC8210839/> <https://doi.org/10.1007/s40865-020-00152-6>
4. Güneş G, Kurt AAA, Özkan B. Emotion regulation and moral and social rule awareness in early childhood: an exploratory correlational study.

که هسته اصلی این رویکرد بر تقویت علاقه اجتماعی، احساس تعلق و مشارکت در بستر روابط خانوادگی استوار است، تغییرات ایجادشده ماهیتی زمینه‌ساز و بلندمدت دارند و با گذشت زمان در تعاملات مستمر والد-کودک تثبیت و تقویت می‌شوند (۱۴). بدین ترتیب، می‌توان نتیجه گرفت که "آموزش رویکرد فرزندپروری آدلری-درایکورس" نه تنها اثربخشی معناداری بر متغیرهای مورد بررسی داشته، بلکه از قابلیت حفظ و تداوم اثر در دوره پیگیری نیز برخوردار است.

نتیجه گیری

نتایج پژوهش نشان داد که اجرای "آموزش رویکرد فرزندپروری آدلری-درایکورس" و "آموزش فرزندپروری مبتنی بر پذیرش و تعهد" می‌تواند به بهبود شیوه‌های فرزندپروری و ارتقای کیفیت تعاملات والد-کودک منجر شود. بنابراین، به کارگیری این رویکرد در برنامه‌های آموزشی والدین می‌تواند به عنوان راهبردی مؤثر در کاهش مشکلات رفتاری کودکان و ارتقای کارکرد خانواده مورد استفاده قرار گیرد. هر پژوهشی در بطن خود محدودیت‌هایی دارد که از جمله محدودیت‌های پژوهش حاضر می‌توان به استفاده از ابزار خودگزارشی اشاره کرد که

- Frontiers in Psychology. 2026;17(1):1-10. <https://www.frontiersin.org/journals/psychology/articles/10.3389/fpsyg.2026.1792202/full#cite> <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2026.1792202>
5. Likhar A, Baghel P, Patil M. Early childhood development and social determinants. *Cureus*. 2022;14(9):29500-29510. <https://pmc.ncbi.nlm.nih.gov/articles/PMC9596089/> <https://doi.org/10.7759/cureus.29500>
6. Jethava V, Kadish J, Kakonge L, Wiseman-Hakes C. Early attachment and the development of social communication: A neuropsychological approach. *Front Psychiatry*. 2022;13(1):838950-838960. <https://pmc.ncbi.nlm.nih.gov/articles/PMC9024310/> <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2022.838950>
7. Natiq NN. [Family structures and child development: A comparative analysis]. *Journal of Political Stability Archive*. 2024;2(3):84-92. <https://journalpsa.com.pk/index.php/JPSA/article/view/29>
8. Elsayed W. Building a better society: The vital role of family's social values in creating a culture of giving in young Children's minds. *Heliyon*. 2024;10(7):29208-29218. <https://>

- pmc.ncbi.nlm.nih.gov/articles/PMC11004650/
<https://doi.org/10.1016/j.heliyon.2024.e29208>
9. Gartstein MA, Brown KL. Temperament. In: Halpern-Felsher B, editor. Encyclopedia of Child and Adolescent Health. 1st edition. Oxford: Academic Press; 2023. p. 195-207. <https://www.sciencedirect.com/science/article/pii/B9780128188729000765>
<https://doi.org/10.1016/B978-0-12-818872-9.00076-5>
 10. Verma T, Tiwari G, Kar BR. Temperament Measures. Reference Module in Social Sciences: Elsevier; 2026. <https://www.sciencedirect.com/science/article/pii/B9780443266294002756>
 11. Satoh M, Hirakawa H, Eto M, Kawano N, Sakai A, Akase M, Kohno K, Terao T. The association between self-compassion, affective temperament, and parental bonding styles. Journal of Psychiatric Research. 2026;199(1):38-41. <https://www.sciencedirect.com/science/article/pii/S0022395626002189>
<https://doi.org/10.1016/j.jpsychires.2026.04.015>
 12. Di Prete A, Blissett J, Shapiro L, Addessi E, Bellagamba F, Batchelor R, Islam S, Webber C, Farrow C. Exploring the role of infant temperament in the relationship between self-feeding and parental responsiveness. Appetite. 2026;225(1):108588-108598. <https://www.sciencedirect.com/science/article/pii/S0195666326001509>
<https://doi.org/10.1016/j.appet.2026.108588>
 13. Dreikurs Ferguson E, Shaked A. Adler-Dreikurs ideas and methods as applied to the individual, school, and society: A conversation. The Journal of Individual Psychology. 2022;78(3):287-294. <https://muse.jhu.edu/article/868263/pdf>
<https://doi.org/10.1353/jip.2022.0035>
 14. BertischMeir R. Dreikurs, Rudolph. In: Rieber RW, editor. Encyclopedia of the History of Psychological Theories. New York, NY: Springer US; 2012. p. 352-354. https://link.springer.com/rwe/10.1007/978-1-4419-0463-8_329#citeas
https://doi.org/10.1007/978-1-4419-0463-8_329
 15. Amini N, Banani M, Borjali M, Keykhosrsvani M. [Comparison of the effectiveness of parenting education based on acceptance and commitment and parenting based on positive psychology on the mother-child relationship in mothers of children with attention deficit / hyperactivity disorder]. Counseling and Psychotherapy Culture. 2023;14(56):169-203. https://qccpc.atu.ac.ir/article_15701.html?lang=en
 16. Nikkhoo F, Fathipour S. [The effectiveness of the training protocol based on acceptance and commitment on psychological distress and parenting stress of mothers with deaf children]. Journal of Educational Psychology Studies. 2023;20(50):178-166. https://jep.susb.ac.ir/article_7837.html?lang=en
 17. Mohammadzadeh Z., Ghanbari Panah A, Mardanirad M, Delgoshai Y. [The effect of education based on acceptance and commitment on parenting stress and cognitive flexibility of parents with preschool children]. Educational Research. 2023;12(46):238-263. <https://erj.khu.ac.ir/article-1-1420-fa.html>
 18. Mobini Kashe F, Jadidi M, Pourseyyed Aqaei Z. [The effectiveness of acceptance and commitment based parenting on parent-child interaction and impulsivity of students with externalized behavioral-emotional problems]. Journal of Modern Psychological Researches. 2024;19(75):72-86. https://psychologyj.tabrizu.ac.ir/article_18567.html?lang=en
 19. Hosseinalizadeh M, Pishro S, Mohseni Ejyeh AR, Mahaki M. [The Effectiveness of Group Parenting Training for mothers based on Acceptance and Commitment in Reducing Symptoms of Externalizing Disorders in Children]. Quarterly Journal of Family and Research. 2022;19(2):93-106. <https://qjfr.ir/article-1-1024-en.html>
 20. Mottaghi R. [The effectiveness of parenting education based on acceptance and commitment on self-efficacy and parent-child relationship in young mothers]. Journal of Nursing Education. 2024;13(1):58-67. <https://jne.ir/article-1-1590-en.html>
 21. Amani A, Aziz Abdalrahman G, Ghaitasi J. [The effectiveness of parenting skills training based on the Adler-Dreikurs approach on family atmosphere and parent-child relationships among parents of children with social anxiety disorder]. Shenakht Journal of Psychology and Psychiatry. 2025;12(1):87-104. https://shenakht.muk.ac.ir/browse.php?a_id=2243&sid=1&slc_lang=en
 22. Kholghi Z, Aghaei A, Farhadi H. [Effectiveness of training parents by Adler- Dreikurs Approach on emotion regulation and parent-child interaction in children with attention deficit/hyperactivity disorder].

- disorder]. Empowering Exceptional Children. 2019;10(4):37-49. https://www.ceciranj.ir/article_106403.html?lang=en
23. Mansouri M, Khajevand Khoshali A, Sobhani Shahmirzadi M. [Comparison of the effectiveness of parental education with Barclay's behavioral approach and Adlerian-Dreikursian approach on improving social skills of children with defecation disorders referred to the specialized pediatric clinic in Gorgan]. Rooyesh-e-Ravanshenasi Journal. 2022;11(4):145-156. <https://frooyesh.ir/article-1-3497-en.html>
24. Putnam SP, Gartstein MA, Rothbart MK. Measurement of fine-grained aspects of toddler temperament: The early childhood behavior questionnaire. Infant Behavior & Development. 2006;29(3):386-401. <https://pmc.ncbi.nlm.nih.gov/articles/PMC4334385/> <https://doi.org/10.1016/j.infbeh.2006.01.004>
25. Sukigara M, Nakagawa A, Mizuno R. Development of a Japanese version of the Early Childhood Behavior Questionnaire (ECBQ) using cross-sectional and longitudinal data. Sage Open. 2015;5(2):1-10. <https://doi.org/10.1177/2158244015590443>
26. Najarpourian S, Samavi SA, Asadi N. [Psychometric properties of the very Short Form of the Children's Behavior Questionnaire (CBQ): Investigation of temperament at 3 to 7 years]. Quarterly Journal of Child Mental Health. 2017;4(3):165-175. <https://childmentalhealth.ir/article-1-300-en.html>
27. Golmohammadi G, Zarifian T, Qhanbari S, Bakhshi E, Sakhai F. [Cross-cultural adaptation and validation of the Persian version of Children's Behavior Questionnaire in Iranian children]. Current Psychology. 2022;41(6):4041-4053. <https://link.springer.com/article/10.1007/s12144-020-00918-7#citeas> <https://doi.org/10.1007/s12144-020-00918-7>
28. Doll EA. A genetic Scale of Social Maturity. The American Journal of Orthopsychiatry. 1935;5(1):180-188. <https://psycnet.apa.org/record/2013-37628-010> <https://doi.org/10.1111/j.1939-0025.1935.tb06339.x>
29. Doll EA. Annotated bibliography on the Vineland Social Maturity Scale. Journal of Consulting Psychology. 1940;4(4):123-132. <https://www.proquest.com/openview/fa8e5cc6007683861365abfdf580324e/1.pdf?pq-origsite=gscholar&cbl=60944> <https://doi.org/10.1037/h0063524>
30. Roszkowski MJ. Concurrent validity of the Adaptive Behavior Scale as assessed by the Vineland Social Maturity Scale. American Journal of Mental Deficiency. 1980;85(1):86-89. <https://pubmed.ncbi.nlm.nih.gov/7446575/>
31. Safaie S. [The relationship between attachment style and social development in dyslexic and normal children]. Journal of Exceptional Education. 2014;1(123):29-35. https://exceptionaleducation.ir/browse.php?a_id=34&sid=1&slc_lang=en
32. Baliad MR, MajidAv H, Ahadi H. [Comparison of social and cognitive development of 5-7-year-old children based on parenting styles]. Journal of Psychological Science. 2019;18(84):2279-2284. <https://psychologicalscience.ir/article-1-614-fa.html>
33. Dreikurs R, Cassel P, Dreikurs Ferguson E. Discipline without Tears: How to Reduce Conflict & Establish Cooperation in the Classroom. Wiley; 2004. https://www.goodreads.com/book/show/426354.Discipline_without_Tears
34. Whittingham K, Coyne L. Acceptance and Commitment Therapy: The Clinician's Guide for Supporting Parents. Academic Press; 2019. <https://www.amazon.com/Acceptance-Commitment-Therapy-Clinicians-Supporting/dp/0128146699>
35. Zurita PE, McKay M, Strosahl K. Parenting a Troubled Teen: Manage conflict and deal with intense emotions using Acceptance and Commitment Therapy. New Harbinger Publications; 2017. <https://www.amazon.com/Parenting-Troubled-Teen-Acceptance-Commitment/dp/1626258988>
36. Greco LA, Hayes SC. Acceptance and Mindfulness Treatments for children and adolescents: A Practitioner's Guide. New Harbinger Publications; 2008. <https://www.amazon.com/Acceptance-Mindfulness-Treatments-Children-Adolescents/dp/1626253315>